

دیپلماسی، ذهنیت‌سازی و پرونده هسته‌ای ایران

دکتر محمد محسن حمیدی *

۱. پیشگفتار

ایران، چه در روزگاری که تمدن و فرمانروایی سیاسی آن گستره فراخی را در بر می‌گرفته و چه در روزگار آن‌فت و خیز خویش، «رقم رد و قبول» خود را بر بسیاری قضایا زده و عنصری تعیین‌کننده یا هم‌اورد خوان بوده است. برخلاف کشورهای چون انگلستان و آمریکا، که در روزگار گذشته به علت محصور بودگی در آنها، چندان نگران امنیت خویش از سوی همسایگان یا هم‌پیمانان آنها نبوده‌اند، ایران به تعبیر «رنه گروسه» در «چهارراه حوادث» ایستاده بوده؛ و اگر هم خود خواسته از قضایای منطقه‌ای و جهانی کناره بگیرد، زمانه نخواست است. بر همه اینها بیفزایم که «روح زمانه» نیز جان ناآرام ایرانی را در تلاطم می‌افکنده است. پرونده هسته‌ای نیز، یکی از آن داستانهاست که بار دیگر ایران را در تن‌باد رخدادها افکنده، و هم‌داستانی و هم‌دستی دیگران را در بردارد.

مفروض بنیادین این نوشتار آن است که دیپلماسی بسته به آنکه از چه مایه از باریک‌بینی، دوراندیشی و هنرمندی برخوردار باشد، می‌تواند راه را بر بحرانی همچون پرونده

هسته‌ای ایران بگشاید یا بردشواری آن بیفزاید. دیگر آنکه دیپلماسی که بیشتر «برای وصل کردن آمده» است تا از «برای فصل کردن»، باید هموارکننده راه تصمیم‌گیری‌های اساسی و هرچه بیشتر از التهاب آفرینی دور باشد. از سوی دیگر، هنگامی که تبلیغات در پی ساختن ذهنیتی درباره یک کشور نزد دیگر کشورها و افکار عمومی آنهاست، دیپلماسی می‌تواند از شکل‌گیری آن ذهنیت جلوگیری کند و خود ذهنیتی مساعد با هدف‌های سیاست خارجی کشور بیافریند. از این زاویه است که نگارنده کوشیده است پاره‌ای از بنیادی‌ترین قضایا را که در دیپلماسی و تبلیغات رسانه‌ای غرب برای شکل‌دادن به ذهنیت و انگاره‌ای نامناسب از ایران هسته‌ای آمده است شناسایی کند.

به گمان من، یکی از بهترین راهها در پاسخگویی، اقتناع و تبلیغات رسانه‌ای ایران در پرونده هسته‌ای باید معطوف به اعتبارزدایی و ابطال بنیادهای نظری و مفروضه‌های سخنان و تبلیغات رسانه‌ای قدرتهای غربی باشد. آنها ادعاهای خود درباره پرونده هسته‌ای ایران را بر مسائلی که خود مفروض گرفته‌اند و به مخاطب، درستی آن را به گونه‌ی ضمنی القاء می‌کنند، بنامی نهند. در شمار مهمترین این مفروضه‌ها

مراحل خوبی پیش رفت؛ در این راستا، به دلایل گوناگون از جمله همت جوانان دانش‌آموخته و پژوهشگر ایرانی و سرمایه‌گذاری مناسب دولت، ایران توانست به پیشرفت‌های خوبی در پژوهش‌های هسته‌ای برسد. محمد خاتمی - رئیس‌جمهوری وقت ایران - خبر از دستیابی ایران به تکنولوژی غنی‌سازی اورانیوم داد. غرب که مراحل پایین‌تر از این را برای ایران بر نمی‌تافت، فشارهای سیاسی و دیپلماتیک خود بر ایران را از راه‌های گوناگون از جمله از راه کارگزاری بین‌المللی انرژی هسته‌ای افزایش داد.

در نقطه عطفی از بالا گرفتن ماجرای هسته‌ای ایران، وزیران خارجه سه کشور اروپایی - انگلیس، فرانسه و آلمان - به ایران آمدند و «اعلامیه تهران» را در اکتبر ۲۰۰۳ منتشر کردند که بر پایه آن ایران پذیرفت که امکان بازرسی‌های گسترده و سرزده را که بخشی از «پروتکل الحاقی» به «ان پی تی» بود تا آن هنگام از پذیرش آن خودداری می‌ورزید، فراهم کند. اروپا نیز در برابر، وعده داد که با ایران در زمینه تکنولوژی هسته‌ای همکاری کند. از این رو، دولت ایران پروتکل الحاقی را پذیرفت، ولی تصویب نهایی آن را به مجلس وا گذاشت. در نوامبر ۲۰۰۴، موافقتنامه پاریس به امضاء رسید و بر پایه آن ایران به گونه «داوطلبانه» تعلیق همه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم را که از چندین پیش معلق کرده بود، ادامه داد. اروپایی‌ها نیز تعهد کردند که پس از توقف غنی‌سازی، گفت‌وگوهای بازرگانی و همکاری را با ایران آغاز کنند. پیشرفت‌های ایران در حوزه هسته‌ای، چنان‌که اکبر اعتماد - رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در روزگار پهلوی - گفته است «آن روزها در خواب هم دیده نمی‌شد.»^۱

در نشست هجدهم ژوئن ۲۰۰۴، هیأت رئیسه کارگزاری بین‌المللی انرژی هسته‌ای از برخی رفتارهای ایران (مانند ادامه دادن تعلیق و فراهم آوردن امکان بازرسی از چند

می‌توان به این موارد اشاره کرد: نخست آنکه NPT با هدف تأمین امنیت جهانی فراهم شده و از متن توافق و اجماع جهانی برخاسته است؛ دوم آنکه قدرتهای هسته‌ای کنونی، بویژه غربی‌ها، در شرایطی به جنگ افزار هسته‌ای دست یافته‌اند که خطرهای جهانی ملت آنها و ملت‌های جهان را تهدید می‌کرده، و از این رو برای تأمین امنیت جهانی راه «بازدارندگی هسته‌ای» (Nuclear deterrence) را در پیش گرفته‌اند و اکنون از توقف برنامه هسته‌ای خود سخنی نمی‌گویند؛ سوم اینکه آنها با گسترش هسته‌ای مخالفند، نه با ایران، و در این زمینه تبعیض قائل نمی‌شوند؛ چهارم آنکه هر چند به یقین نمی‌توانند بگویند که برنامه هسته‌ای ایران به دنبال هدف‌های هسته‌ای نظامی است، ولی رفتارهای باصطلاح غیر مرمه‌سالارانه (غیر دموکراتیک) ایران همچون پشتیبانی از دهشت‌افکنی و اخلال در روند صلح خاورمیانه و تهدید موجودیت اسرائیل آنها را نگران ساخته که می‌ادا جنگ افزار هسته‌ای به کف ایران بیفتد و امنیت جهانی را به خطر افکند؛ پنجم اینکه در دوران ایران، همنوایی بر سر دنبال کردن برنامه هسته‌ای وجود ندارد و این خواست محافظه‌کاران و نومحافظه‌کاران در ایران است؛ ششم اینکه ایران بر موضع بی‌ثبات کشورهایی همچون روسیه و چین و غیر متعهدها تکیه کرده، ... و با آمریکا و اروپا از در ستیز در آمده است، حال آنکه سخن کشورهای اخیر به کرسی می‌نشیند.

۲. پیشینه:

سازمان انرژی هسته‌ای ایران پیش از انقلاب اسلامی برپا شد. برای راه‌اندازی نیروگاه بوشهر، گفت‌وگو و توافقی با فرانسه و آلمان انجام گرفت و ایران بخشی از سهام شرکت فرانسوی «یورودیف» را که قرار بود سوخت هسته‌ای را تأمین کند، خرید. با پیروزی انقلاب اسلامی و پس از اینکه طرف‌های اروپایی از توافقی خود با ایران کناره‌گیری کردند، ایران به اتحاد جماهیر شوروی رو کرد و با همه حرف و حدیث‌هایی که در میان ایرانیان بر اثر خاطره‌های ناخوشایند از روسیه و اتحاد جماهیر شوروی در حافظه ایرانی وجود داشت، گویی بعنوان راهی ناگزیر، بر سر تکمیل نیروگاه هسته‌ای با شوروی توافق کرد.

با وجود کش و قوس‌های بسیار که روسها با فرصت‌طلبی و سیاست بهره‌گیری از همه طرف‌ها دنبال می‌کردند، کار تا

● دیپلماسی بسته به آنکه از چه مایه از باریک‌بینی، دوراندیشی و هنرمندی برخوردار باشد، می‌تواند راه را بر بحرانی همچون پرونده هسته‌ای ایران بگشاید یا بردشواری آن بیفزاید.

کشور رأی ممتنع و ۲۲ کشور رأی مثبت داده بودند. سرانجام در نشست اضطراری فوریه ۲۰۰۶، شورای حکام در قطعنامه‌ای از دبیر کل خواست که پرونده ایران را به شورای امنیت گزارش کند. ونزوئلا، کوبا و سوریه به این قطعنامه رأی منفی و ۲۳ کشور رأی مثبت دادند؛ که در میان آنها رأی مثبت روسیه و چین بازتاب گسترده‌ای داشت.

۳. دیپلماسی و تبیین حقانیت:

دیپلماسی، در یک تعریف، به معنای مدیریت روابط میان دولت‌ها و روابط میان دولت‌ها و دیگر بازیگران است. از چشم‌انداز یک دولت، دیپلماسی بازیگری، شکل دادن و اجرای سیاست خارجی پیوند دارد. از این رو، دیپلماسی شیوه‌ای است که در چارچوب آن، دولت‌ها با نمایندگان رسمی و غیررسمی خود، افزون بر دیگر بازیگران، به بیان هماهنگ کردن و تأمین منافع ویژه یا عام می‌پردازند و از نامه‌نگاری، گفتگوهای خصوصی، رایزنی (تبادل نظر)، اعمال نفوذ (lobbying)، دیدار، تهدید، و دیگر تلاش‌های مرتبط بهره می‌گیرند. دیپلماسی، بیشتر با رفتار مسالمت آمیز مرتبط دانسته می‌شود، هرچند ممکن است در یک جنگ یا ستیزه مسلحانه نیز رخ نماید یا در هماهنگ‌سازی کارهای ویژه خشونت‌بار به کار گرفته شود. به واقع، روشن نبودن مرز میان تلاش و نزاکت دیپلماتیک و خشونت، از ویژگی‌های دیپلماسی امروزی است؛^۲ و از همین رو امروزه «گفت‌وگوی خشن» یکی از شیوه‌های دیپلماسی به‌شمار می‌رود.

نیز یکی از شاخص‌های دیپلماسی امروزی، تکیه سنگین آن بر افکار عمومی است.^۳

یکی از جوهری‌ترین هدف‌های سیاسی در سخن زیر از «سری کرشنا» فرستاده ویژه یکی از فرمانروایان هند به دربار فرمانروای دیگر (پیش از سفر، خطاب به سرورش) آمده است: «من به دربار کاوراوا (kaurava) خواهم رفت که قضیه شمارا به بهترین وجه مطرح کنم و تلاش خواهم کرد که آنان خواسته‌های شمارا پذیرا گردند؛ اما اگر کوشش‌های من به ثمر نرسید و جنگ گریزناپذیر شد، خواهیم کوشید به جهان نشان دهیم که ما حق می‌گوییم و آنها راه باطل می‌پویند؛ بدین‌سان جهان درباره ما داوری نادرست نخواهد کرد.»^۴

از این رو می‌توان گفت که دستگاه دیپلماسی و حتی

● دیپلماسی، بیشتر با رفتار مسالمت آمیز مرتبط دانسته می‌شود، هرچند ممکن است در یک جنگ یا ستیزه مسلحانه نیز رخ نماید یا در هماهنگ‌سازی کارهای ویژه خشونت‌بار به کار گرفته شود. به واقع، روشن نبودن مرز میان تلاش و نزاکت دیپلماتیک و خشونت، از ویژگی‌های دیپلماسی امروزی است؛ و از همین رو امروزه «گفت‌وگوی خشن» یکی از شیوه‌های دیپلماسی به‌شمار می‌رود.

جایگاه) قدردانی، و از پاره‌ای رفتارهای دیگر (مانند اینکه همکاری چنان که باید و شاید «کامل، بهنگام، و غیرمنفعله نبوده است) ابراز ناخرسندی کرد.

در بی‌اعلام از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم در ۱۸ اوت ۲۰۰۵، و در آخرین روزهای ریاست جمهوری محمد خاتمی، آژانس در یازدهم اوت قطعنامه پیشنهادی آمریکارا تصویب کرد و خواهان توقف فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی از سوی ایران شد و از مدیر کل خواست تا گزارش جامعی درباره اجرای مقررات از سوی ایران و نیز درباره این قطعنامه تا تاریخ ۳ سپتامبر ۲۰۰۵ ارائه کند.

محمود احمدی نژاد که در پیکارهای انتخاباتی خود، بر کار گروه پیگیر پرونده هسته‌ای ایران خرده گرفته و ایستادگی بر سر حقوق هسته‌ای ایران را وعده کرده بود، گروه گفتگوکننده ایران را تغییر داد و علی لاریجانی را به جای حسن روحانی به دبیری «شورای عالی امنیت ملی» برگزید.

«شورای حکام» آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در پایان روز ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵، قطعنامه شماره «۲۰۰۷/۷۰/Gov» را به روش رأی‌گیری و نه روش معمول اجماع، تصویب و ایران را تهدید کرد که در صورت همکاری نکردن، پرونده‌اش به شورای امنیت فرستاده خواهد شد. تنها رأی مخالف به این قطعنامه از آن «ونزوئلا» بود؛ و رأی مخالف هند، در ایران و هند مخالف‌هایی برانگیخت. ۱۲

هسته‌ای، با شتاب رخ می‌دهد. در هر دو مورد، شکافت باید به دقت مهار و نظارت شود. شکافت هسته‌ای، آنگاه به خوبی انجام می‌شود که اورانیوم ۲۳۵ (یا پلو تونیم ۲۳۹) بعنوان «ایزوتوپ» (اتمهای همراه با شمار هسته‌ای یکسان، ولی شمار متفاوتی نوترون‌های اورانیوم ۲۳۵ یا پلو تونیم ۲۳۹) به کار برده شود. اورانیوم ۲۳۵ بعنوان «ایزوتوپ شکافت پذیر» (fissile isotopes) شناخته می‌شود، زیرا گرایش آن به شکافت در واکنشهای رشته‌وار، انرژی را به گونه‌ی حرارت آزاد می‌کند.

اورانیوم ۲۳۵، به هنگام شکسته شدن، دو یا سه نوترون بیرون می‌دهد. هنگامی که دیگر اتمهای اورانیوم ۲۳۵ حاضر باشند این نوترونها با آنها برخورد می‌کنند و سبب می‌شوند که دیگر اتمها شکسته شوند و نوترونهای بیشتری تولید کنند. یک واکنش (reaction) هسته‌ای تنها هنگامی رخ خواهد داد که شمار کافی اتمهای اورانیوم ۲۳۵ موجود باشد تا تداوم این فرایند را بعنوان رشته واکنشهای خود اتمکام ممکن سازد. این نیاز، «توده قاطع» (critical mass) شناخته می‌شود.^۶

بهترین کشورهای «فرآوری کننده اورانیوم» (uranium producers) از این قرارند: استرالیا، کانادا، چین، قزاقستان، نامیبیا، نیجر، روسیه و ازبکستان.^۷

● بی گمان، یکی از برجسته ترین نکاتی که باید در آینده دیپلماسی هسته‌ای ایران بدان توجه شود، آن است که آمریکا چگونه توانسته است محافل سیاسی، رسانه‌ای و حتی علمی اروپارا، کمابیش، به دیدگاه خود نزدیکتر سازد. هر چند در میان دولتها می‌توان از محوری بودن منافع، نه حقایق و دوستی‌ها، و تعیین کنندگی آن سخن گفت، ولی روند پیموده شده در اقناع و جلب افکار عمومی اروپا در راستای هدفهای آمریکامی تواند روشنگر باشد.

کار گزارانی همچون راینرهای فرهنگی ایران در جهان، باید در حوزه تلاش کنند: نخست آنکه با زبانی رسا و با گفتمانی که در جهان کنونی پذیرش داشته باشد، حق ایران برای دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای و چند و چون تلاشهای کشور در این حوزه را تاکنون تبیین کنند؛ دیگر آنکه با گزارش یا ارجاع شدن پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، به جهان نشان دهند که کشور ما از حقانیت برخوردار است و دیگران در این حوزه زورگویی کرده‌اند و راه باطل پوییده‌اند. این هر دو حوزه، می‌تواند در دو سطح با کار گزاران دیگر دولتها و نیز با افکار عمومی شهروندان آنها جهتگیری شود؛ هر چند با گزارش یا ارجاع پرونده به شورای امنیت، از دامنه اثر گذاری ایران در میان کار گزاران دولتها کاسته شده است.

بی گمان، یکی از برجسته ترین نکاتی که باید در آینده دیپلماسی هسته‌ای ایران بدان توجه شود، آن است که آمریکا چگونه توانسته است محافل سیاسی، رسانه‌ای و حتی علمی اروپارا، کمابیش، به دیدگاه خود نزدیکتر سازد. هر چند در میان دولتها می‌توان از محوری بودن منافع، نه حقایق و دوستی‌ها، و تعیین کنندگی آن سخن گفت، ولی روند پیموده شده در اقناع و جلب افکار عمومی اروپا در راستای هدفهای آمریکامی تواند روشنگر باشد. برای نمونه «لوموند دیپلماتیک» در اکتبر ۲۰۰۳، در آغاز نوشتاری با سر نمون: «ایران: جست و جوی هسته‌ای» آورده است: «کار گزاری بین المللی انرژی هسته‌ای، تا پایان این ماه به تهران فرصت داده است تا از وضع واقعی برنامه هسته‌ای خود پرده بردارد. اما آیا ایران به راستی یک تهدید است؟ [اگر چنین است] نسبت به که؟»^۵

۶. غنی سازی اورانیوم:

اورانیوم، ماده خام بنیادینی است که در برنامه‌های مدنی و نظامی، هر دو کاربرد دارد؛ و از معدنهای روباز (open cast) و کانه‌های زیرزمینی استخراج می‌شود. هر چند این ماده در سراسر جهان در طبیعت یافت می‌شود، ولی تنها پاره‌های کوچکی از آن در کانه‌های متمرکز پیدا می‌شود. هنگامی که هسته (اتم)های معینی از اورانیوم در فرایندی می‌شکند، انرژی رها می‌شود. این فرایند، «شکافت هسته‌ای» (nuclear fission) خوانده می‌شود. در یک نیروگاه هسته‌ای، این شکافت به آرامی، و در جنگ افزار

برنامه‌ها و بودجه‌های کارگزاری بر پایه تصمیم بیکرهای سیاستگذاری آن تنظیم می‌شود که عبارتند از: شورای حکام (هیأت امنای) ۳۵ عضو و همایش (کنفرانس) عمومی با حضور همه اعضا. گزارشها درباره فعالیت‌های کارگزاری گاه به گاه ارائه یا به گونه موردی به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل داده می‌شود.

منابع مالی کارگزاری عبارت است از: بودجه تنظیمی و مشارکتهای داوطلبانه. بودجه تنظیمی برای سال ۲۰۰۴ به ۲۶۸/۵ میلیون دلار آمریکا می‌زد. هدف آن بوده که کمکهای داوطلبانه به صندوق همکاری فنی (The Technical Co-operation Fund) در سال ۲۰۰۴، به ۷۴/۷۵ میلیون دلار آمریکا برسد.

منافع و نیازهای دولتهای عضو، طرحهای راهبردی و بینش هفته در منشور کارگزاری، مأموریت آن راهبردی می‌کند. سه ستون-یا حوزه کاری، مأموریت کارگزاری را می‌می‌افکند: ایمنی و امنیت (safety & security)، دانش و تکنولوژی، تدبیرهای حفاظتی (sefeguard) و بررسی و کنترل (Verification).^۸

۶. پیمان جلوگیری از گسترش: برآمده از

هدفهای قدرتهای بزرگ:

بی‌گمان تبیینگری، همیشه نباید تنها معطوف به دیگر کشورها باشد، بلکه با وضعی که اکنون دیپلماسی غرب در پی آن است و می‌کوشد تا بر سر برنامه هسته‌ای، شکافی در درون و در افکار عمومی نشان دهد، باید معطوف به افکار عمومی داخلی نیز باشد. در این راستا، يك نکته بایسته آن است که به گویاترین زبان تبیین شود که بر سر هم «قدرت»، نقش تعیین کننده در شکل دادن به نظامها (رژیمها)ی حقوقی بین‌المللی و حقوق بین‌الملل داشته است؛ و چنان که وانمود می‌شود قواعد و قانونها در پهنه بین‌الملل، با هدف کلی خدمت به جامعه جهانی پرداخته نشده است، هر چند از چنین سودی نیز خالی نیست؛ چرا که در نظام بین‌الملل، کمتر کاری بی چشمداشت انجام می‌گیرد. نظام حقوقی کنونی NPT و پیوسته‌های آن، درباره گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای نیز از این قاعده برکنار نیست.

يك اصل در جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای بیش از آنکه حفظ جهان از ویرانی هسته‌ای باشد، نگهداشت برتری نظامی دولتهای دارنده، و چند همپیمان

● بر سر هم «قدرت»، نقش تعیین کننده در شکل دادن به نظامها (رژیمها)ی حقوقی بین‌المللی و حقوق بین‌الملل داشته است؛ و چنان که وانمود می‌شود قواعد و قانونها در پهنه بین‌الملل، با هدف کلی خدمت به جامعه جهانی پرداخته نشده است، هر چند از چنین سودی نیز خالی نیست؛ چرا که در نظام بین‌الملل، کمتر کاری بی چشمداشت انجام می‌گیرد. نظام حقوقی کنونی NPT و پیوسته‌های آن، درباره گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای نیز از این قاعده برکنار نیست.

۵. کارگزاری بین‌المللی انرژی هسته‌ای:

فلسفه و سازوکار پیدایش «کارگزاری بین‌المللی انرژی هسته‌ای» (IAEA) در پایگاه «تاریخچه»ی (اینترنتی) آن، چنین بیان شده است:

این کارگزاری، مرکزی جهانی است برای همکاری در حوزه هسته‌ای، که با عنوان سازمان جهانی «اتم برای صلح» در چارچوب خانواده ملل متحد در ۱۹۵۷ برپا شد. این کارگزاری، همراه با دولتهای عضو و همکاران چندجانبه‌اش برای تشویق تکنولوژیهای هسته‌ای امن، مطمئن و مسالمت آمیز در گستره جهانی کار می‌کند.

دبیرخانه در «مرکز بین‌المللی وین» در اتریش است. دفترهای ارتباط عملیاتی و منطقه‌ای در ژنو سوئیس، نیویورک ایالات متحده، تورنتو کانادا، و توکیو ژاپن قرار دارند. کارگزاری، مراکز پژوهشی و آزمایشگاههای علمی را در وین و «سیبرسدروف» (Seibersdorf) اتریش؛ «موناکو» (Monaco)؛ و «تریست» (Trieste) ایتالیا، اداره یا پشتیبانی می‌کند. دبیرخانه کارگزاری ۲۲۰۰ تن کارمند متخصص چندرشته‌ای و پشتیبانی از بیش از ۹۰ کشور را در بر می‌گیرد. کارگزاری را مدیر کل - محمد البرادعی - و معاونان دبیر کل (که ریاست بخشهای اصلی را دارند) اداره می‌کنند.

برگزیده بوده است. فرض پایه‌ای ضرورت جلوگیری از گسترش آن است که هر چه دولتهای بیشتری جنگ افزار هسته‌ای در دست داشته باشند، احتمال آنکه به جای بازدارندگی، آنرا در ویرانگری به کار برند بیشتر است؛ و اینکه چه بسا درگیریهایی بر پایه اشتباه پدید آید؛ یا جنگ افزارهای هسته‌ای و مواد شکافت پذیر به دست گروههای جنایتکار بیفتند. از این رو، گسترش هسته‌ای بعنوان بزرگترین خطر برای آینده بشریت انگاشته می‌شود. ولی اگر این مفروض هم درست باشد، گامهایی که از آغاز برای جلوگیری از گسترش هسته‌ای برداشته شده، با چنین نیتی نبوده است.

ایالات متحده از آغاز برنامه نظامی خود در ۱۹۴۲، افشای هر گونه اطلاعات درباره انرژی هسته‌ای را با هدف جلوگیری از بدل شدن آلمان نازی به نخستین کشور دارنده بمب هسته‌ای ممنوع ساخت. این ممنوعیت پس از ۱۹۴۵ نیز ادامه یافت تا کار بر سر این برنامه در اتحاد جماهیر شوروی به تأخیر افتد. پس از آنکه اتحاد جماهیر شوروی، نخستین ابزار «گرما- هسته‌ای» (thermo-nuclear) خود را در ۱۹۵۴ آزمایش کرد، این پنهانکاری به سود سیاست «اتم برای صلح» کنار گذاشته شد که بر پایه آن کشورهای خواهان درگیر شدن در فعالیتهای هسته‌ای، در صورت تعهد به کاربرد این تکنولوژی تنها برای مقاصد صلح آمیز، می‌توانستند از همکاری آمریکا برخوردار شوند. این کشورها به حال خود رها شدند تا اگر می‌توانند، خود برنامه نظامی هسته‌ای خود را پیش ببرند، و چند کشور در نبود مقررات بین‌المللی فراگیر، از فرصت بهره‌برداری کردند و بلندپروازی‌های خود را پی گرفتند. هفت کشور از هشت کشور کنونی دارنده زرادخانه هسته‌ای، «دانش فنی» این کار را در دهه ۱۹۶۰ به دست آوردند. اتحاد جماهیر شوروی نخستین بمب هسته‌ای خود را در ۱۹۴۹ و نخستین بمب هیدروژنی‌اش را در ۱۹۵۳ آزمایش کرد؛ بریتانیا نخستین ابزار شکافت‌پذیر خود را در ۱۹۵۲ ساخت و نخستین بمب هیدروژنی خود را در ۱۹۵۷ آزمایش کرد. فرانسه چنین کاری را در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۶۸ انجام داد؛ و چین در ۱۹۶۴ و ۱۹۶۷. فرانسه در ۱۹۵۶ اسرائیل را به راکتور «دیمونا» (Dimona) و کارخانه بازآوری پلوتونیوم مجهز کرد که پلوتونیوم لازم برای نخستین جنگ افزار هسته‌ای را در اختیارش گذاشت. در ۱۹۵۵ کاناداراکتور آب سنگین به هندوستان داد که پلوتونیوم لازم

برای نخستین بمب هسته‌ای را تولید کرد. برخلاف این گمان فراگیر که میان عضویت در شورای امنیت و دارا بودن جنگ افزارهای هسته‌ای ارتباطی رسمی وجود دارد، اعضای دائم شورای امنیت، قدرتهای پیروز در دومین جنگ جهانی بوده‌اند که بر پایه منشور سازمان ملل متحد (تصویب شده در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵) به عضویت دائم آن شورا درآمده‌اند؛ در حالی که در آن تاریخ هیچ کشوری ابزارهای هسته‌ای در اختیار نداشته است.

اصطلاح «کشورهای دارنده جنگ افزار هسته‌ای» به هنگام امضای NPT مطرح شد.

بحران موشکی کوبا در ۱۹۶۲، عامل برجسته در ایجاد يك سیاست جهانی با هدف جلوگیری گسترش بود. واشنگتن و مسکو دریافتند که اگر کشوری دیگر دارنده جنگ افزار هسته‌ای در این ماجرا درگیر شده بود، آنها چه بسا نمی‌توانستند بحران را مهار کنند. دو ابرقدرت، در آغاز، پیمان جلوگیری از گسترش (NPT) را بیشتر همچون ابزاری می‌دیدند برای نگهداشت و مهار کردن کشورها در اردوگاه خود. این پیمان در یکم ژوئیه ۱۹۶۸ به امضاء رسید و جهان را به دو دسته «کشورهای دارنده جنگ افزار هسته‌ای» (آنها که پیش از یکم ژوئن ۱۹۶۷ انفجار هسته‌ای داشته‌اند و نمی‌بایست به دیگر کشورها برای داشتن چنین جنگ افزارهایی کمک کنند)، و همه دیگر کشورها (که از آنها خواسته شده است برای دستیابی به جنگ افزار هسته‌ای نگویند و همه تأسیسات هسته‌ای خود را زیر مهار و نظارت کارگزاری بین‌المللی انرژی هسته‌ای بگذارند) دسته‌بندی کرد. از آغاز، بسیاری از کشورها NPT را تجاوزی ناپذیر فتنی به حاکمیت خود می‌دیدند. آلمان، ژاپن و ایتالیا، که در اصل آماج این پیمان بودند، نخست از امضای آن سر باز زدند. این پیمان در ۱۹۷۰ رسمیت یافت، زیرا کشورهایی

● يك اصل در جلوگیری از گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای بیش از آنکه حفظ جهان از ویرانی هسته‌ای باشد، نگهداشت برتری نظامی دولتهای دارنده، و چند هم‌پیمان برگزیده بوده است.

چون ایرلند، دانمارک، کانادا، سوئد، و مکزیك (که آن را ایزاری برای کاهش مخاطره خودکشی جمعی می‌دیدند) و دولتهایی که همپیمان نزدیک ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بودند و کشورهای که فکر می‌کردند هیچگاه ابزار ساخت جنگ افزار هسته‌ای را نخواهند یافت، آنرا پذیرفتند. عراق، ایران، و سوریه در زمره نخستین امضاء کنندگان بودند.

يك نقطه عطف در میانه دهه ۱۹۷۰ همراه با برآمدن جنبش ضد هسته‌ای در ایالات متحده و سپس در اروپا، و فراتر از همه با نخستین آزمایش هسته‌ای هند در ۱۹۷۴ پذیرا شد. این هشدار بود برای افکار عمومی نسبت به خطرهای گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای برای امنیت جهان؛ و بسیاری از دولتها به این نتیجه رسیدند که اگر همسایگان آنها جنگ افزار هسته‌ای نداشته باشند، در امنیت بیشتری خواهند زیست. جنبش ضد هسته‌ای در کنار فشار دو ابر قدرت، افزایش چشمگیر امضاء کنندگان NPT را به دنبال داشت، به گونه‌ای که اکنون بسیاری از کشورهای بزرگ صنعتی همچون آلمان، ژاپن، ایتالیا، سوئیس و نروژ بدان پیوسته‌اند. تا ۱۹۷۹ بیش از ۱۰۰ دولت NPT را پذیرفتند. با پایان جنگ سرد، پیوستن به پیمان شتاب گرفت. در ۱۹۹۵ هنگامی که دولتهای امضاء کننده به تمدید آن تصمیم گرفتند، ۱۷۸ دولت، عضو آن بودند.

تاکنون به دلایل گوناگون، قدرتهای بزرگ، هیچگاه تلاشی بایسته برای ترغیب هندوستان، اسرائیل و پاکستان به پیوستن به NPT نداشته‌اند، هر چند گفته می‌شود که آنها می‌بایست بدان پیوندند و وظایف خود را به انجام برسانند؛ چرا که اکنون ۱۸۹ کشور، نزدیک به همه دولتهای جهان، آن را پذیرفته‌اند؛ و هیچ کشوری بی‌زیر پا نهادن تعهدات بین‌المللی خود نخواهد توانست به جنگ هسته‌ای دست یابد. آرژانتین و برزیل در دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ برنامه‌های هسته‌ای با هدفهای نظامی را دنبال کردند. و از آنجا که در آن تاریخ به این پیمان نیبوسته بودند، فعالیت آنها با تکالیف بین‌المللی‌شان در تعارض نیفتاد. هر دو کشور آرژانتین در ۱۹۹۵ و برزیل ۱۹۹۸ برنامه‌های خود را رها کردند و به NPT پیوستند. گفته می‌شود که این دو کشور نه بدین علت که امنیت خارجی‌شان بیشتر شده، بلکه از آن رو که حکومت‌هایی مردمسالار به جای حکومت‌های خودکامه نشسته بودند از این برنامه‌ها دست کشیده‌اند. يك نکته ضمنی در استدلال حتی منتقدان یکسونگر آمریکایی در

پرونده هسته‌ای ایران، آن است که عضویت پیمان و دنبال کردن برنامه هسته‌ای، نمی‌تواند بی‌زیر پا گذاشتن تعهدات بین‌المللی باشد؛ در حالی که عضویت نداشتن و دنبال کردن برنامه هسته‌ای، چنین وضعی را سبب نمی‌شود. برای نمونه درباره آفریقای جنوبی گفته می‌شود که هر چند در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ چند بمب هسته‌ای ساخته، ولی تعهدات بین‌المللی خود را زیر پا نگذاشته است. همچنین گفته می‌شود که این کشور پس از رهایی از «تبعیض نژادی»، جنگ افزارهای هسته‌ای خود را از میان برده و در ۱۹۹۱ به NPT پیوسته است. در میانه دهه ۱۹۹۰، ایالات متحده بر آن شد که NPT را با يك «پیمان جامع منع آزمایش» (CTBT) و يك کنوانسیون منع تولید اورانیوم غنی شده یا پلو تونیوم با درجه‌ای که بتواند به تولید جنگ افزار هسته‌ای بینجامد، تقویت کند. هر دو موافقتنامه تنها هند و پاکستان را در نظر داشت؛ ولی ایالات متحده بر این باور بود که آسانتر خواهد بود که هند و پاکستان به يك پیمان کاربست‌پذیر بر همه کشورهای بیبوندند. در ۱۹۹۷ کارگزاری بین‌المللی انرژی هسته‌ای، پروتکل الحاقی را تصویب کرد که به بازرسان آن کارگزاری اختیارات بیشتری می‌داد، هر چند یافتن جایگاه‌های مخفی هسته‌ای نیازمند يك بخش (سرویس) اطلاعاتی است. در ۱۹۹۲، کره شمالی به نقض تعهدات خود در قبال پیمان متهم شد و آن کشور بی‌درنگ اعلام کرد که هر گونه مجازات را اقدامی جنگی به‌شمار خواهد آورد، و چین نیز گفت که بحران «از راه گفت‌وگو حل‌شدنی است». رویکرد یکن و نیز نگرانی از جنگ و تلفات در کره جنوبی، به موافقتنامه ۱۹۹۴ میان پیونگ‌یانگ و واشنگتن انجامید. آمریکا در قبال دست کشیدن کره شمالی از برنامه هسته‌ای خود، پذیرفت که دو راکتور بزرگ تولید برق برای آن کشور بسازد.^۱ و این داستان هنوز دنباله دارد.

آنچه در عنوان این بخش (نیات قدرتهای بزرگ و پیمانهای هسته‌ای) آمد، در پرونده هسته‌ای ایران دیده می‌شود. پس از آنکه «شورای حکام» در قطعنامه خود تهدید کرد که پرونده ایران به شورای امنیت گزارش خواهد شد، «لوموند دیپلماتیک» (در شماره نوامبر ۲۰۰۵ خود) نوشت: آیا این کار فشاری است بر ایران برای داشتن برنامه مشكوك هسته‌ای، یا به واقع فشاری است برای تضمین انحصار غربی بر انرژی هسته‌ای؟^۱

اسرائیل، آمریکا، و خطرهای منطقه‌ای و جهانی برای ایران نیز وجود دارد.

سیاست اسرائیل آن بوده است که داشتن جنگ افزار هسته‌ای را نه تأیید و نه رد کند، هر چند دوستان و دشمنان، به یکسان، آن را کشوری می‌دانند که از چند دهه پیش هسته‌ای شده است. سیاست اعلام شده اسرائیل این است که: «اسرائیل نخستین کشور به کار گیرنده جنگ افزار هسته‌ای در خاورمیانه نخواهد بود»، هر چند سیاستهای آرایش و به کار گیری آن جدی است. در گزارش ژانویه ۲۰۰۱ پنتاگون با عنوان «گسترش: تهدید و پاسخها»، اسرائیل از بررسی خاورمیانه‌ای کنار گذاشته شده، ولی در گزارش پژوهشی فرماندهی راهبردی هوایی آمریکا، به سال ۱۹۹۱، نام اسرائیل، هندوستان و پاکستان بعنوان دولتهای «غیر رسمی» (de facto) دارنده جنگ افزار هسته‌ای آمده است. زرادخانه هسته‌ای اسرائیل از ۷۵۰ تا ۲۰۰۰ جنگ افزار از بمب و موشک تا کلاهک و جنگ افزارهای غیر راهبردی (tactical) را در بر می‌گیرد. اسرائیل در میانه دهه ۱۹۵۰ دست به تلاشی سخت برای رسیدن به جنگ افزار هسته‌ای زد. گفته می‌شود پس از آنکه جمال عبدالناصر رئیس جمهوری وقت مصر در ۱۹۵۳ «تنگه تیرانا» را بست، دیوید بن گوریون به پردازش جنگ افزارهای هسته‌ای و دیگر تسلیحات نامتعارف رو کرد.

دست پرورده‌وی، شیمون پرز، در فراهم آوردن

● بحران موشکی کوبا در ۱۹۶۲، عامل برجسته در ایجاد يك سیاست جهانی با هدف جلوگیری از گسترش بود. واشنگتن و مسکو دریافتند که اگر کشوری دیگر، دارنده جنگ افزار هسته‌ای، در این ماجرا درگیر شده بود، آنها چه بسا نمی‌توانستند بحران را مهار کنند. دو ابرقدرت، در آغاز، پیمان جلوگیری از گسترش (NPT) را بیشتر همچون ابزاری می‌دیدند برای نگهداشت و مهار کردن کشورها در اردوگاه خود.

۷. تأمین امنیت جهانی یا مستثنی کردن همپیمانانی چون اسرائیل؟

چشم‌پوشی آمریکا و همپیمانانش از برنامه هسته‌ای کشورهای همجون اسرائیل و پاکستان، نشان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران دستاویزی است برای برخورد آن کشورها با سیاستهای ایران که ناسازگار با منافع غرب انگاشته می‌شود. از این رو تبیین صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای کشور برای افکار عمومی و تأکید بر آن هر چند خوب است، ولی دردی در رابطه با ستیزه جویی آمریکا دوانمی‌کند و توضیح و تبیین بسیار، از این چشم‌انداز گره‌گشا نخواهد بود. دو تن با هم بر سر چیزی سیاه‌رنگ بر فراز تپه‌ای در برابرشان، بگومگو و مجادله داشتند. یکی می‌گفت آن چیز کفشی سیاه‌رنگ است و دیگری می‌گفت کلاغی است سیاه رنگ. پس از حجت‌های بسیار که مدعی کلاغ بودن آن چیز آورد، مدعی کفش بودن گفت: اگر به گمان تو آن چیز کلاغ باشد و بپرد و به کعبه هم برسد، باز از نظر من همان کفش است. و این داستان برنامه هسته‌ای ایران است که آمریکا آن را نظامی می‌داند و گوشش هم بدهکار کسی نیست. از دیگر سو، این نکته دلالت دیگری دارد، بویژه در شرایط کنونی که موضوع به شورای امنیت کشانده شده و آن این است که: برای خرید زمان، به درازا کشاندن بررسی و مانند آن می‌توان گفت وگوها با غرب را به حوزه‌هایی که با اصطلاح مایه‌نگرانی آنها شمرده می‌شود، کشاند. این، البته شمشیری است دو لبه، ولی در شرایط کنونی می‌تواند برای جمهوری اسلامی، فرصت و مجال نمایش رفتار و باوری فراهم سازد که در صورت تبیین‌های درست درباره مسائلی همچون ادعای مداخله در عراق و افغانستان، کمک به دهشت افکنی (تروریسم)، اخلال در روند صلح خاورمیانه می‌تواند افکار عمومی جهانی و کمابیش نظر کارگزاران دیگر دولتها، حتی دولتهای خاورمیانه را به خود جلب نماید.

نگاهی به نخستین تلاشهای دولتهای کنونی دارنده جنگ افزارهای هسته‌ای، نشان می‌دهد که آنها از سوی همسایگان یا قدرتهای بزرگ و کوچک دیگری در جهان احساس خطر جدی می‌کرده‌اند و از این رو، تأمین امنیت خود را در گرو دست یافتن به جنگ افزار هسته‌ای، دیده‌اند. به رغم تأکید ایران بر غیر نظامی بودن برنامه هسته‌ای‌اش، وضع ایران از وضع آن کشورها، کم خطرتر نیست. تهدید

جنگ افزار هسته‌ای می‌تواند با اسکاگردان ویژه از یک یا دو پایگاه هوایی به پرواز در آید. یا در پایگاه‌های پراکنده‌ای همچون «تل نف» (Tel Nof) نگهداری شود؛ جایی که هواپیماهای تأیید شده می‌توانند جنگ افزار هسته‌ای را بارگیری کنند. در هفتم ژوئن ۱۹۸۱، در عملیاتی با نام «عملیات اپرا» (Operation Opera)، ۸ هواپیما از اسکاگردانهای یکصد و دهم و یکصد و هفدهم که با ۶ فروند هواپیمای اف ۱۵ همراهی می‌شدند، با بمبهای متعارف (غیر هسته‌ای)، تأسیسات «اوزیراک» (osirak) در حومه بغداد را ویران کردند. در ژانویه ۱۹۹۴، اسرائیل، بویینگ عقاب ضربتی اف ۱۵ ای (F-15E) را برای ضربه زدن با برد بلند و نقشهای برتری هوایی خود برگزید. این هواپیما در اسرائیل، «را آم اف ۱۵ آی» (F-15I Ra'am) یا «تندر» (Thunder) خوانده می‌شود، و این تازه بخشی از جنگ افزارهای نظامی پیشرفته اسرائیل با برخورداری از توان هسته‌ای است.^{۱۱} برخی از بنیادی ترین نکته‌های پیش گفته درباره توان هسته‌ای اسرائیل، (قولی که جملگی بر آنند) را می‌توان برای نمونه در پایگاه اینترنتی دانشگاه نیروی هوایی آمریکا در آلاباما نیز یافت.^{۱۲}

برنامه هسته‌ای اسرائیل، حتی داد کسان را در مغرب زمین در آورده و مایه نگرانی آنها شده است. برخی صاحب نظران به این نکته پرداخته‌اند که زرادخانه‌ای که

موافقتنامه‌ای با فرانسه در سال ۱۹۵۶ برای یک راکتور پژوهشی هسته‌ای، نقش برجسته داشت و ارست دیوید برگمان (Ernest David Bergman) مدیر انجمن (کمیسیون) انرژی هسته‌ای اسرائیل مسیر علمی آغازین را پی‌ریزی کرد. به علت جایگاه پر مخاطره اسرائیل در خاورمیانه، بمب هسته‌ای، قلب امنیتی آن در برابر دشمنان همسایه انگاشته شد. آونر کوهن (Avner chohen) در کتاب خود با عنوان «اسرائیل و بمب (هسته‌ای)» (Israel and the Bomb) می‌نویسد: اسرائیل در آستانه جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷، با همکاری فرانسه، تأسیسات ساخت جنگ افزارهای هسته‌ای را در دیمونا (Dimona) در صحرای نگو (Negev) برپا کرد. سایت دیمونا دربرگیرنده یک راکتور تولید «پلوتونیوم-تری‌تیوم»، یک کارخانه زیرزمینی جداسازی شیمیایی و تأسیسات ساخت قطعات هسته‌ای است. اسرائیل در نخستین سالهای اجرای برنامه هسته‌ای خود، چه بسا از «داده‌های آزمایشی» (testing data) فرانسوی برای تأیید طرحهای هسته‌ایش بهره برده باشد. برخی کسان بر این باورند که اسرائیل آزمایشهای هسته‌ای سری را به انجام رسانده است. باور گسترده آن است که انفجاری که در بالای جو در ۲۲ سپتامبر ۱۹۷۹ با فاصله‌ای از کرانه خاوری آفریقای جنوبی رخ داده، مربوط به آزمایش هسته‌ای پنهانی اسرائیل بوده است.

در ۳۰ سال گذشته، اسرائیل گونه‌هایی چند از هواپیما باتوان حمل بمبهای گرانشی (gravity)، (دربرگیرنده افاتومهای اف ۴، آسمان گرد (Sky Hawk) A4)، اف ۱۶ و اف ۱۵ به دست آورده است. هواپیمای اف ۱۶، ستون فقرات نیروی هوایی اسرائیل و نامزد اصلی برای پرتابهای هسته‌ای هوایی است. از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵، اسرائیل ۲۶۰ فروند هواپیمای اف ۱۶ از آمریکا خرید. در ۱۹۹۹، اسرائیل اعلام کرد که ۵۰ فروند هواپیمای اف ۱۶ آی اس (F 16IS) را به هزینه‌ای نزدیک به ۲/۵ بیلیون دلار خواهد خرید. این کشور هواپیماهای پیش گفته را از ۲۰۰۳ در طول دو سال دریافت کرده است. بر پایه این قرارداد، اسرائیل می‌تواند ۶۰ هواپیمای دیگر نیز خریداری کند، که اگر بنا بر این باشد، تا سال ۲۰۰۸ تحویل آنها به انجام خواهد رسید. از این هواپیماهای اف ۱۶، بخش کوچکی، هواپیماهای هسته‌ای اند، با خدمه آموزش یافته ویژه این کار، و دستکاریهایی که در این هواپیماها شده تا آنها را به حمل جنگ افزارهای هسته‌ای توانا سازد. هواپیماهای حامل

● چشم پوشی آمریکا و همپیمانانش از برنامه هسته‌ای کشورهای هم چون اسرائیل و پاکستان، نشان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران دستاویزی است. برای برخورد آن کشورها با سیاستهای ایران که ناسازگار با منافع غرب انگاشته می‌شود. از این رو تبیین صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای کشور برای افکار عمومی و تأکید بر آن هر چند خوب است، ولی دردی در رابطه با ستیزه جویی آمریکا دو نمی‌کند و توضیح و تبیین بسیار، از این چشم انداز گره گشا نخواهد بود.

ردیف	نام کشور	برآورد جنگ افزارهای هسته‌ای راهبردی	برآورد جنگ افزارهای هسته‌ای غیر راهبردی	برآورد کل جنگ افزارهای هسته‌ای
۱.	چین	۲۵۰	۱۲۰	۴۰۰
۲.	فرانسه	۳۵۰	۰	۳۵۰
۳.	هند	۶۰	۲	۶۰+۲
۴.	اسرائیل	۱۰۰-۲۰۰	۲	۲۰۰+۲
۵.	پاکستان	۲۴-۴۸	۲	۲۴-۴۸
۶.	روسیه	(نزدیک به) ۶۰۰۰	(نزدیک به) ۴۰۰۰	(نزدیک به) ۱۰۰۰۰
۷.	انگلستان	۱۸۰	۵	۱۸۵
۸.	آمریکا	۸۶۴۶	۲۰۱۰	۱۰۶۵۶

در شرایط کنونی تنها بر همین موضوع انگشت می گذاشتیم و در فرصتی مناسبتر به طرح دیگر مسائل می پرداختیم.

۸. باز داشتن دیگران از آنچه خود می جویند:

از دیگر نکته‌ها در زمینه برخورد دوگانه آمریکا، رفتار عملی و آموزه هسته‌ای آن کشور در روزگار حکومت نوحافظه کاران است که نه تنها تعهدهایش برای کاهش زرادخانه هسته‌ای را زیر پا گذاشته، بلکه پیوسته در اندیشه افزایش آن بوده است. «لوموند دیپلماتیک» می نویسد: هنگامی که از گسترش هسته‌ای (nuclear proliferation) سخن به میان می آید، مردمان به یاد ایران و کره شمالی می افتند؛ اما حکومت بوش برای کاربرد جنگ افزارهای هسته‌ای حتی بر ضد کشورهای که آن را ندارند، برنامه ریزی می کند. این حکومت حتی سر آن دارد تا زرادخانه خود را با بمبهای بسیار دقیق و تازه تجهیز و تقویت کند.^{۱۲} ممکن است کسی بگوید که دارندگان جنگ افزار هسته‌ای بویژه آمریکا و کشورهای اروپایی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به توان هسته‌ای دست یافته‌اند و بدین بهانه، نباید گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای ترغیب شود، حال آنکه باید گفت به فرض درستی این مدعا، آنها اکنون نیز بر توان زرادخانه هسته‌ای خود می افزایند و «رطب خورده‌ای» هستند که «منع رطب» می کنند. آنچه در جدول زیر آمده، برآوردی است از توان هسته‌ای برخی از این کشورها که در چهارم فوریه ۲۰۰۳ روزآمد شده است.^{۱۵}

۲۰۰۰ تا ۵۰۰۰ کلاهک هسته‌ای دارد و بسیاری از جنگ افزارهایش برای زدن «ضربه نخست» (first strike) به کار می آید، و بمبهای نو ترونی هسته‌ای اش برای پیشینه ساختن کشتار انسانی و کمینه ساختن زیان فیزیکی طراحی شده است، تا چه اندازه می تواند خطرناک باشد. ایالات متحده آمریکا، سالانه ۴ میلیارد دلار به اسرائیل کمک مالی و نظامی می کند و تاکنون اسرائیل بزرگترین دریافت کننده کمکهای خارجی آمریکا بوده است. اسرائیل تا امروز با سرسختی همچون چند کشور دیگر، اجازه بازرسی بین المللی از تأسیسات و زرادخانه هسته‌ای خود را نداده است.^{۱۳}

برخورد دوگانه غرب با پرونده هسته‌ای ایران و اسرائیل، نمونه برجسته‌ای از سیاست «یک بام و دو هوا» است، تا بدان اندازه که کشورهای همچون مصر نیز که در شمار همپیمانان منطقه‌ای آمریکا و دارای روابط دیپلماتیک با اسرائیل هستند، به دلایلی و از جمله نگرانی از افکار عمومی در کشورهای عربی بویژه در شرایطی که «اخوان المسلمین» در انتخابات اخیر مجلس آن کشور پیروزی بزرگی به دست آورده‌اند، برگزاندن عبارت «ضرورت خاور میانه عاری از جنگ افزار هسته‌ای» در قطعنامه آژانس درباره ایران پای فشرده شد. بنابراین، یکی از سرفصلهای دیپلماسی ایران بویژه در پیوند با کشورهای اسلامی، تبیین این برخورد دوگانه است؛ هر چند نگارنده بر آن است که با وجود برحق بودنمان در دیگر زمینه‌ها، برای تبیین فرایند پرونده هسته‌ای ایران در نزد افکار عمومی جهان اسلام و کشورهای عربی، بهتر بود

۹. القاء حقانیت ناشکیبایی در برابر

ایران هسته‌ای با اصطلاح تندرو:

از این بهانه و ادعا که روش با اصطلاح تند و ناهمخوان ایران با شرایط بین‌المللی سبب می‌شود غرب در برابر بر نامه هسته‌ای ایران کمتر رواداری داشته باشد، بویژه پس از سخنان دکتر محمود احمدی‌نژاد درباره فلسطین و قضیه «هولو کاست» بیش از پیش بهره‌برداری شد و حتی پس از صدور قطعنامه فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام، پایه استدلال «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان قرار گرفت. وی با همانند شپردن شرایط آلمان به هنگام بر آمدن نازی‌ها و اوضاع کنونی در ایران، گفت: جامعه بین‌المللی نمی‌تواند در برابر حکومتی که رئیس‌جمهور آن آشکارا واقعیت هولو کاست و موجودیت اسرائیل را زیر سؤال می‌برد، ساکت بنشیند و اجازه دهد که به جنگ افزار هسته‌ای دست یابد.^{۱۶} مقامهای آمریکایی نیز در گفت‌وگوهای رسانه‌ای خویش یاد آور شدند که جهان اکنون باید به خوبی نگرانی آن کشور را در برابر بر نامه هسته‌ای ایران دریابد. «تونی بلر» هم در سخنانش درباره قطعنامه فوریه ۲۰۰۶، چنین استدلالی داشت.^{۱۷}

در چارچوب، ذهنیت و انگاره‌هایی که رسانه‌های غربی از فرایند پرونده هسته‌ای ایران به دست می‌دهند، این نکته را نیز برجسته می‌کنند که ایران در روندی افتاده است که دوستان و هواداران وفاداری ندارد و اعتماد به کسانی که دوست انگاشته می‌شوند، «تکیه بر یاد» است؛ از این رو دوراندیشی، تدبیر و عقلانیت، به گونه ضمنی، باروش ایران در تقابل می‌افتد. بخش فارسی بی‌بی‌سی درباره توافق بر سر گزارش پرونده ایران به شورای امنیت گفت: «حتی روسیه که فراهم آورنده اصلی تکنولوژی هسته‌ای برای ایران است، و چین که ایران به پشتیبانی‌اش در برابر تصمیمات شورای امنیت امید بسته، در توافق بر سر گزارش فعالیت هسته‌ای ایران به شورای امنیت، با آمریکا و فرانسه و دیگر اعضای شورا همدستان شده‌اند.^{۱۸}

۱۱. همنوایی یا ناهمنوایی در ایران

بر سر برنامه هسته‌ای:

انگاره دیگری که در رسانه‌های غربی پرورانه شده، این است که در ایران، برخلاف ادعای مسئولان نظام، بر سر دنبال کردن برنامه هسته‌ای، همنوایی نیست و تکیه گاه این چند صدایی و ناهمنوایی این است که برای حفظ یکپارچگی کشور، در حالی که ملت با دشواری‌های اقتصادی

روبروست، خرد حکم می‌کند که از یافشاری بر دنبال شدن راه خودداری شود. بخش فارسی بی‌بی‌سی در گفتگو با نماینده‌ای از طیف اصلاح طلبان در مجلس ششم و از زبان وی آورد که: برخی از مردمان بر این باورند (به تعبیر گوینده) که با بر آورد سود و زیان، هزینه‌های گوناگون این برنامه، برای کشور بسیار بیشتر از سود آن است.^{۱۹}

اکبر اعتماد رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی ایران درباره دستیابی اسرائیل، هند و پاکستان به بمب هسته‌ای گفت: «این هم از موارد عجیب است که اگر کشوری عضو آن بی‌تی نباشد، کسی به دستیابی او به بمب هسته‌ای کاری ندارد؛ ولی اگر امضاء کننده آن باشد، تحت فشار قرار می‌گیرد.»^{۲۰} «لومند دیپلماتیک» هم در نوشته‌ای با سرنمون «ایران؛ در محاصره وزیر فشار» نوشت: با وجود برخی زمینه‌های مشترک میان ایران و ایالات متحده، ... دلایلی برای ناسازگاری وجود دارد. ایالات متحده خواهان پشتیبانی بین‌المللی از محکومیت برنامه هسته‌ای ایران است، ولی جنگ محتمل به نظر نمی‌رسد، چرا که به بیداری دوباره احساسات ژرف ملی در ایران می‌انجامد.^{۲۱}

۱۲. بازتاب رسانه‌ای نشست ژانسی برای

گزارش پرونده:

شبکه العربیه در گزارش نشست اضطراری «شورای حکام» در دوم نوامبر ۲۰۰۶ (۱۳۸۴/۱۱/۱۳) با عنوانهای خبری خود، قضیه را در حال گذار به مرحله‌ای وخیم نشان می‌داد؛ در حالی که، بخش جهانی بی‌بی‌سی در چند عنوان خبری خود، از ملایم‌تر شدن روند حکایت داشت. العربیه این بخش از سخن البرادعی را در سرنمون خبری خود آورده بود که: «موضوع ایران به سوی مرحله‌ای وخیم پیش می‌رود»^{۲۲} در حالی که بخش جهانی «بی‌بی‌سی» در اشاره به همین سخنان می‌گفت: «مجادله بر سر برنامه هسته‌ای ایران بحرانی نیست» و در نخستین فراز گزارش نیز می‌گفت: البرادعی می‌گوید مجادله بر سر تحقیقات هسته‌ای ایران به مرحله‌ای حساس می‌رسد، ولی ... قضیه در نقطه بحرانی نیست و تهران هنوز از دریچه فرصتی برخوردار است.^{۲۳}

تایمز مالی زیر عنوان «ایالات متحده و همپیمانانش رأی گیری در سازمان ملل درباره ایران را به تأخیر می‌اندازند»، به این موضوع اشاره کرد که این دولت‌ها با امید به دستیابی به آرای بیشتر شورای ۳۵ عضوی، چنین کرده‌اند و البته آنها پشتیبانی چین و روسیه را به دست آورده‌اند. هدف اصلی، جلب نظر مساعد کشورهای غیر متعهد همچون

باعنوان «دستاورد آسیا، زیان غرب در خاورمیانه است»، آورد: دیدار ملك عبدالله- پادشاه عربستان- از یكن نه تنها اهمیت چین بعنوان بازاری برای نفت خام و گاز طبیعی عربستان را برجسته ساخت بلکه بیانگر امتیازی بود که آسیا از شکست آمریکا و اروپا در عراق و ایران به دست می آورد؛ و اینکه چگونه این موضوع می تواند سیاست غرب در خاورمیانه را با پیچیدگی رویهرو سازد. از هنگام بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ که دولتهای تولیدکننده نفت، اقتصادهای بزرگ غربی را با حربه نفت گرفتار رکود کردند، سیاست راهبردی ایالات متحده نسبت به خاورمیانه بر آمیزه‌ای از نیروهای نظامی و بازار برای وابسته نگه داشتن دولتهای تولیدکننده نفت به اراده و اشنگتن استوار بوده است. پس از حملات یازدهم سپتامبر، هر چند خاورمیانه با دشواری‌ها و بدگمانی‌های بیشتری در غرب رویهرو شد، ولی آسیای رو به شکوفایی پناهگاهی امن برای سرمایه‌های داوطلبانه و سرمایه‌گذاری‌های تازه فرایش گذارد. فروش نفت عربستان به ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ به اوج خود رسید و تغییر جهتی رو به رشد به سوی چین- دومین بازار بزرگ نفت در جهان داشت. بازرگانی دوسویه میان عربستان و چین در سال گذشته کمابیش تا ۶۰ درصد و ۱۴ میلیارد دلار جهش داشته، حکومت سعودی در پالایشگاههای نفت در چین سرمایه‌گذاری کرده و به شرکت‌های چینی اجازه کوش نفتی در عربستان داده است. این جهت‌گیری دوباره، کار و کسبی برای بانکهای آسیایی و درجه بالاتری از امنیت انرژی برای قدرتهای بزرگ آسیایی همچون چین و هند به دنبال آورده است. چین در حال گفتگو با شورای همکاری خلیج فارس بر سر یک موافقتنامه بازرگانی آزاد است و رایزنی‌های سیاسی را با چند کشور

● دیدار ملك عبدالله- پادشاه عربستان- از یكن نه تنها اهمیت چین بعنوان بازاری برای نفت خام و گاز طبیعی عربستان را برجسته ساخت بلکه بیانگر امتیازی بود که آسیا از شکست آمریکا و اروپا در عراق و ایران به دست می آورد؛ و اینکه چگونه این موضوع می تواند سیاست غرب در خاورمیانه را با پیچیدگی رویهرو سازد.

هند، آفریقای جنوبی و مصر است تا انتقادهای مبنی بر اینکه قدرتهای بزرگ جهان بر ضد دولتهای «تورسیده» ای همچون ایران دست به یکی کرده‌اند، را از میان ببرند. آمریکا و همپیمانانش با آنکه می‌پذیرند سه تا چهار رأی مخالف از کوبا، ونزوئلا، سوریه و شاید روسیه سفید خواهند داشت، امید دارند با نرمتر کردن لحن قطعنامه پیشنهادی، از ۲۲ رأی که در ماه سپتامبر داشته‌اند فراتر روند. يك دیپلمات غربی گفت که می‌ارزد آن درخواست کوچک غیر متعهدانه (عاری شدن خاورمیانه از جنگ افزار هسته‌ای) را در قطعنامه بگنجانیم تا رأی کشورهای بیشتری را به دست آوریم.^{۲۴}

تایمز مالی به سخنان هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه پرداخت و نوشت که وی گفته است غربیها این ملت، تاریخ آن و منطقه را می‌شناسند و به آنها توصیه کرده است که مرتکب اشتباه نشوند. تایمز مالی همچنین به انتقادهای وی از روند نقش آفرینی دولت در پرونده هسته‌ای اشاره کرد و نوشت وی پیش از این خریدورزی بیشتری را در این ماجرا خواستار شده بود. نیز از زبان محمد سعیدی معاون رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نوشت که روسیه با پیوستن به اروپایی‌ها در پشتیبانی از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت اشتباه دیپلماتیک بزرگی مرتکب شده است.^{۲۵}

«الشَّرق الاوسط» از پیشنهاد يك سناتور آمریکایی برای کمک یکصد میلیون دلاری به مخالفان جمهوری اسلامی و در کنار آن از به درازا کشیدن نشست شورای حکام به علت مخالفت گروهی از کشورها به رهبری آفریقای جنوبی، و درخواست گروه غیر متعهدانه درباره عاری ساختن خاورمیانه از جنگ افزار هسته‌ای خبر داد.^{۲۶}

«نیویورک تایمز» در نوشته‌ای با سر نمون «متن نویس با هدف فرستادن ایران به سازمان ملل»، پس از تأکید بر برخی واژه‌ها و جمله‌های آن مانند کوتاهی‌های ایران در ایفای وظایفش افزود: «ولی در سازشی مهم با روسیه و چین که در آغاز در برابر هر گونه درگیر ساختن شورای امنیت ایستادگی می کردند، این قطعنامه برای يك ماه، هر اقدامی در شورارا برای انتقاد از ایران یا مجازات آنرا به تأخیر انداخت. روسها همچنین درباره لحن این قطعنامه برنده شدند که اصطلاح «سریسی» (non-compliance) در آن به کار نرود. آنها استدلال کردند که چنین اصطلاحی پیامدهای مهم حقوقی دارد و ارجاع قضیه ایران به شورای امنی طلبد.»^{۲۷}

«هرالد تریبون بین‌المللی»، يك- دوروزی مانده به نشست اضطراری شورای حکام درباره ایران، در نوشتاری

در گرماگرم گزارش شدن پرونده ایران، دولت در اوایل بهمن ۸۴ پایگاه اینترنتی بخش فارسی بی بی سی را بست. بخش جهانی این شبکه (BBC World) با ابراز نگرانی از این اقدام گفت توضیحی رسمی در این زمینه داده نشده است و افزود که «این کار سبب محرومیت میلیون‌ها ایرانی از یک منبع خبری مورد اعتماد خواهد شد. BBC Per-sian.com محبوبترین پایگاه غیر انگلیسی BBC است و کمابیش از ۳۰ میلیون صفحه در ماه دارد که نزدیک به نیمی از آن از درون ایران است. خوانندگان بی بی سی از ایران با فرستادن برقا-پیک* از ایران، از مایه پرسند چگونه می توانند سد ورود به این پایگاه را بشکنند.^{۲۹}

تهدید ایران به قطع همکاری با آژانس، در صورت ارجاع پرونده اش به شورای امنیت نیز در ردیف خبرهای مهم رسانه‌های غربی آمد. «نیویورک تایمز» با اشاره به نامه‌ای علی لاریجانی به محمد البرادعی نوشت: این بدان معناست که آژانس دیگر مجاز به بازرسی‌های سرزده نخواهد بود و دسترسی به سایتها و تأسیسات اصلی را از دست خواهد داد. افزون بر این، ایران گفته است که بر نامه خود را برای ساخت ۵۰۰۰۰ سانتریفوژ از سر خواهد گرفت و چرخه کامل تولید اورانیوم غنی شده را (که می تواند در تولید برق یا کمک به ساخت بمب هسته‌ای به کار رود) آغاز خواهد کرد. قطعنامه از سوی ۱۵ کشور غیر متعهد به چالش کشیده شده است که خواهان باقی ماندن مسئله ایران در حوزه مسئولیت کارگزاری هسته‌ای سازمان ملل متحد هستند.^{۳۰}

بخش عربی «راديو بی بی سی» نیز به دیدگاه عربها درباره هسته‌ای ایران پرداخت که بیشتر شنوندگان آن از حق ایران برای دنبال کردن برنامه هسته‌ای دفاع می کردند و حتی کسانی می گفتند اگر ایران در پی دستیابی به جنگ افزار هسته‌ای نیز باشد، حق دارد. گوینده می پرسید اگر ایران بمب هسته‌ای داشته باشد، آیا برای کشورهای عربی تهدیدی نیست؟ و شنونده‌ای با حرارت به این پرسش پاسخ منفی می داد.

۱۳. فرجام سخن:

در این نوشتار، پس از گذری بر تاریخچه فعالیت‌های هسته‌ای دارندگان جنگ افزار هسته‌ای و نیز برنامه هسته‌ای ایران، تلاش شد نقش دیپلماسی در تبیین برنامه هسته‌ای ایران، با آشکار سازی مهمترین مفروضه‌های تبلیغات رسانه‌ای غرب به بحث گذاشته شود. بی گمان، اکنون که در سایه قطعنامه فوریه ۲۰۰۶، با نقطه عزیمت و عطف تازه‌ای در پرونده هسته‌ای ایران روبه‌رو هستیم، بیش از هر چیز،

● بحران هسته‌ای می تواند «منطقه گذار»ی تعیین کننده در پردازش يك رویکرد تحول یافته در سیاست خارجی ایران باشد که بر خورد آرمانها (اعم از ایدئولوژیک و ملی) با جهانی که در آن کشورها تنها بر پایه منافع ملی خویش و بر حسب بده‌بستان عمل می کنند نه بر پایه صداقت و حقانیت، بایستگی راهبردها، شگردها و راهکارهای مناسب‌تر را بر کارگزاران جمهوری اسلامی روشنتر سازد و آنها را به بهره‌گیری از توانمندی‌های سیاسی، علمی و تجربی ایرانیان بیشتری در حوزه سیاست خارجی ترغیب کند.

کلیدی در خاورمیانه آغاز کرده است. در ماه دسامبر چین کویت قراردادی برای ساخت يك مجتمع پالایشگاهی ۵ میلیارد دلاری در استان «گواندونگ» امضاء کردند. این تغییر جهت ژئواکونومیک سرانجام می تواند بر نفوذ سیاسی آمریکا و اروپا بر خاورمیانه اثر گذارد. چین برای فرو نشاندن عطش خود با نفت و گاز خاورمیانه زمینه‌سازی برای فروش جنگ افزار و ارائه پیشنهاد همکاری امنیتی، هیچ فرصتی را از دست ندهاده است؛ و بدین سان اتکای منطقه به غرب را کاهش داده است. عربستان، برای نمونه، خواهان موشکهای بالیستیک دور برداز چین شده و این موضوع در کنار رویارویی فزاینده میان ایران و غرب، بیشتر در کانون توجه قرار گرفته است. اکنون که ایران بر سر برنامه هسته‌ای اش با تهدید روبه‌رو شده، اعلام کرده است که شاید دارایی‌های کمابیش ۸۰ میلیارد دلاری خود را از اروپا بیرون کشد و به آسیا سرازیر کند. تهران می تواند به دوستانی نیرومند در آسیا تکیه کند. چین که می تواند تحریمها در مورد ایران را در شورای امنیت و تو کند، بیش از ۳۰ درصد نفت و گاز خود را از ایران تأمین می کند و هند برای کمابیش سه چهارم نفت خود به ایران وابسته است. جورج بوش می تواند ایران را بخشی از محور شرارت بنامد، ولی از چشم انداز آسیا، ایران بعنوان يك موازنه‌ساز سودمند شیعی در برابر نیروهای سنی در پاکستان و افغانستان شمرده می شود.^{۲۸}

ofn= 2002 norris

12. [http:// www. Gas. org/ unke/ guide/ israel/ nune/ Garr.htm](http://www.Gas.org/unke/guide/israel/nune/Garr.htm).

13. [http:// www. rense. com/ general/ 58/ ssinuke. html](http://www.rense.com/general/58/ssinuke.htm)

14. pascal bonigace, united states: The strangelove Doctrine, *Le Monde Diplomatique*, october 2003.

15. [http:// www. cd. org/ issues/ nuke G&G/ database/ nuclearcenals. cfm](http://www.cd.org/issues/nukeG&G/database/nuclearcenals.cfm)

۱۶. بنگرید به:

برنامه شامگاهی بخش فارسی-بی بی سی- دوشنبه ۱۳۸۴/۱۱/۱۵.

۱۷. همان، سه شنبه، ۱۳۸۴/۱۱/۱۹.

18. [http:// www. bbc. co. uk. persian/ iran/ story / 2006/ 02/ 060801- mg. eu-iran. shtml](http://www.bbc.co.uk.persian/iran/story/2006/02/060801-mg.eu-iran.shtml)

19. [http:// www. bbc. co. uk/ persian/ iran/ storag/ 2006/ 02/ 060201- mG- eu - iran. shtm](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/storag/2006/02/060201-mG-eu-iran.shtm)

۲۰. گفت‌وگوی «اکبر اعتماد» با گروهی از صنعتگران و بازرگانان ایرانی مقیم انگلیس در لندن، دهه دوم مهر ماه ۱۳۸۴.

21. [http:// mondedit. plo. com/ 2003. 07/ 02 gorce? var- recherche= nuclear+iran](http://mondediplo.com/2003.07/02gorce?var-recherche=nuclear+iran)

22. [http:// www. alarabiyan. net/ Articles/ 2006/ 02/ 01/ 20779. htm](http://www.alarabiyan.net/Articles/2006/02/01/20779.htm)

23. [http:// news. bbc. co. uk/ 1/ hi/ wold/ middle- east/ 4673880. stm](http://news.bbc.co.uk/1/hi/wold/middle-east/4673880.stm)

24. Us and allies delay Un Vote on Iran, *Financial Times*, Feb 3, 2006; in [http:// new. GT. com/ cms/ s/ a17 cage 2-9524-11 da--b2 G7- 0000779 e 2340. html](http://new.GT.com/cms/s/a17cage2-9524-11da-b2G7-0000779e2340.html)

25. *Financial Times*, Feb. 3, 2006, RaGsanjani says UN referral would be, black page in history; in [http:// news. GT. com/ cms/ s/ e 32b 480-94b-11da- 9G39- 0000779e 234. htm/](http://news.GT.com/cms/s/e32b480-94b-11da-9G39-0000779e234.htm)

26. [http:// www. worldpress. org/ link. egm? http:// www. asharqalawst. com/](http://www.worldpress.org/link.egm?http://www.asharqalawst.com/)

27. Elaine Sciolino, Draft text seeks to send Iran before UN. *The New York Times*, Thursday, February 2, 2006, in: [http:// www. iht. com/ articles/ 2006/ 02/ 01/ news/ iran. php](http://www.iht.com/articles/2006/02/01/news/iran.php)

28. Michael Vatikiotis, "Asia,s gain is the West's loss in the Mideast", *International Herald Tribune*, February 1, 2006; in [http:// www. int. com/ articler/ 2006/ 01/ 31/ opinion/ edvatik. php](http://www.int.com/articler/2006/01/31/opinion/edvatik.php)

* برقا-پیک را بعنوان برابر نهاد E-mail به کار برده‌ام.

29. [http:// news. bbc. co. uk/ 2/ hi/ middle- east/ 4644398. stm](http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle-east/4644398.stm)

30. Elaine Saolino, *The New York Time*, Thursday Febroang 2, 2006, in: [http:// www. iht. com/ articles/ 2006/ 02/ news/ nuhe. php](http://www.iht.com/articles/2006/02/news/nuhe.php)

روزآمدسازی هدفهای سیاست خارجی و پردازش سبک‌ها و درونمایه‌های دیپلماتیک می‌تواند برای گذار از این وضع سودمند باشد. اگر بخواهیم به سنجش گذرا و کوتاه سیاست هسته‌ای ایران در دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد بپردازیم، می‌توانیم بگوییم که ایستادگی دولت تازه بر حق ایران برای دنبال کردن برنامه هسته‌ای خود، در کنار به کارگیری ظرفیتهای دیپلماتیک دولت خاتمی با پوشاندن کاستی‌های آن، می‌تواند کارآمد باشد. اما در اینجا یاد کرد یک نکته بایسته می‌نماید و آن اینکه بحران هسته‌ای می‌تواند «منطقه گذار»ی تعیین کننده در پردازش یک رویکرد تحول یافته در سیاست خارجی ایران باشد که برخورد آرماتها (اعم از ایدئولوژیک و ملی) با جهانی که در آن کشورها تنها بر پایه منافع ملی خویش و بر حسب بده‌بستان عمل می‌کنند نه بر پایه صداقت و حقانیت، بایستگی راهبردها، شگردها و راهکارهای مناسب تر را بر کار گزاران جمهوری اسلامی روشنتر سازد و آنها را به بهره‌گیری از توانمندی‌های سیاسی، علمی و تجربی ایرانیان بیشتری در حوزه سیاست خارجی ترغیب کند.

یادداشتها:

۱. گفت‌وگوی اکبر اعتماد با گروهی از صنعتگران ایرانی در لندن، در دهه دوم مهر ماه ۱۳۸۴.

2. R. P. Barston, *Modern diplomacy*, (London and New York: longman, Third edition, 1991), p.1.

۳. علی اصغر کاظمی، دیپلماسی نوین، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ نخست، ۱۳۶۵)، ص ۳۰.

4. K.M. Panikkar, *The Principles and Practice of Diplomacy*, (London: Asia publishing, 1964), p.3.

در: علی اصغر کاظمی، دیپلماسی نوین، ص ۱۳.

5. Paul - Marie de la Gorce, "Iran: The Nuclear quest", *Le Monde Diplomatique*, october 2003.

6. [http:// news. bbc. co. uk/ 2/ shared/ SPL/ hi/ sci-nat/ 05/ unclear - Fuel/ html, / miniug. stm](http://news.bbc.co.uk/2/shared/SPL/hi/sci-nat/05/unclear-Fuel/html/miniug.stm)

7. [http:// news. bbc. co. uk/ 2/ shared/ SPL/ hi/ sci-hat/ 05/ unclear- Guel/ html, / miniug. stm](http://news.bbc.co.uk/2/shared/SPL/hi/sci-hat/05/unclear-Guel/html/miniug.stm)

8. [http:// www- pub. iafa. org/ MTCD/ Meetings 2005. asp](http://www-pub.iafa.org/MTCD/Meetings2005.asp)

9. Georges le Guelte, "The bomb proliferaters, *Le Monde Diplomatique*, Nov. 2005.

10. Cyrus Safdari, "Iran Needs Nuclear Energy, not weapons", *Le Monde Diplomatique*.

11. Israeli Nuclear Forces, 2002, *Atomic Scientists*; in [http:// www. the. bulletin. org/ article - nn. php? art-](http://www.thebulletin.org/article-nn.php?art-)